

تحلیل اجمالی کمی و کیفی صادرات و واردات در دوران قبل از انقلاب اسلامی ایران (۱)

رشد اقتصادی براساس صادرات نفت، ویژه‌گی خاصی است که کشورهای صادرکننده نفت را بهم پیوند می‌دهد و آنجا که توان و ظرفیت عظیم ارزی در ذخایر نفتی نهفته است و نیز امکان جذب درآمد های ارزی در عمران و آبادانی کشورها بسیار می باشد، اهمیت فزاینده درآمد های نفتی در توسعه اقتصادی کشورهای مذکور بیش از پیش نمایان می شود. من باب مثال می شود گفت که با درآمد های ارزی حاصل از فروش نفت می توان کالاهای سرمایه ای را که کشور خود را در به ساخت آنها نیست، از خارج وارد نموده و بتدریج اساس رشد و توسعه را پایه ریزی کرد. البته این بشرطی است که فروش نفت بر طبق یک برنامه صحیح و منطقی و نشأت گرفته از باورهای برنامه ریزی، صورت گیرد. چنانچه حقیقتاً "فروش یک مقدار معین نفت در بازارهای بین المللی بمراتب ارزشی بیش از مصرف آن در داخل ایجاد نماید، ادعای مذکور جلوه منطقی مییابد.

در اقتصاد ایران، از دید بازرگانی صادرات نفت در بین صادرات سایر کالاهای، اهمیت زیادی را دارا بوده است، بطوریکه طی سالهای ۴۱-۱۳۳۱ بطور متوسط سالانه بالغ بر ۷۹ درصد کل ارزش صادرات کشور را نسبت تشکیل میداده است. بعد از این دوره سهم نفت افزایش داشته و طی سالهای ۵۹-۱۳۵۳ به ۹۷ درصد رسیده است.

جدول شماره ۱- متوسط سهم نفت در کل صادرات ایران طی سالهای
 واحد: (میلیارد ریال) ۱۳۳۱-۵۹

دوره	کل صادرات	صادرات نفت	درصد سهم
۱۳۳۱-۴۱	۳۹	۳۱	۷۹
۱۳۴۲-۵۲	۱۸۵	۱۶۶	۹۰
۱۳۵۳-۵۹	۱۴۵۱	۱۴۰۶	۹۷

ماخذ: براساس اطلاعات آماری موجود در:

I.M.F. Yearbook of International Financial
Statistics, 1982.

از این گذشته، سهم درآمدهای مالیاتی، سهمنا چیزی از کل درآمد دولت را داشته است و در عوض درآمدهای حاصل از استخراج و صدور نفت بخش عمده درآمد دولت را تشکیل داده اند. ضمناً "در سال ۱۳۴۹ سهم نفت از کل درآمد مالیاتی دولت (مالیات از فروش نفت) ۶۵/۷ درصد بوده که در سال ۱۳۵۶ به ۷۹/۸ درصد افزایش مییابد. افزایش قیمت نفت در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ باعث افزایش شدید درآمد گردید که بیشتر به امور نظامی و بخش خدمات و صنایع مونتاز تخصیص یافت. اختصاص سهم عمده منابع ارزی حاصل از فروش نفت به موارد مذکور، ناشی از سیاست ابر قدرت های حاکم بود که سعی داشتند کشورهای نظیر ایران را با زارکالاهای خود کرده و سیاستهای استعمارگرایانه خود را در قالب کمک به رشد و توسعه صنعتی و اقتصادی این کشورها پیاده نمایند.

(۱): براساس اطلاعات آماری موجود در:

U.N. Yearbook of Asia and Pacific 1979.

از دیگر ویژگی‌های اقتصا دوا بسته‌ایران در قیل از انقلا ب اسلامی، وجود کسربودجه مدا و مدبرنا مهریزی سالیا نه بود که بدینوسیله امکانات جذب منبع ارزی در داخل کشور به نحوی توجیه میشود. جدول (۲) روند کسری بودجه ایران را نشان میدهد:

جدول شماره ۲- موازنه هزینه‌ها و درآمدهای دولته طی سالهای ۵۸-۱۳۴۹
واحد: میلیا ردیال

سال	کل درآمد	کل هزینه‌ها	موازنه
۱۳۴۹	۱۸۸/۵	۲۴۲/۴	- ۵۳/۹
۱۳۵۰	۲۷۵/۳	۳۰۱/۴	- ۲۶/۱
۱۳۵۱	۳۲۳/۲	۳۸۰/۱	- ۵۶/۹
۱۳۵۲	۴۹۱/۲	۵۰۴/۱	- ۱۳/۲
۱۳۵۳	۱۴۲۷/۱	۱۲۸۶/۸	+ ۱۴۰/۳
۱۳۵۴	۱۶۲۶/۸	۱۶۱۴/۸	+ ۱۲/۰
۱۳۵۵	۱۸۹۵/۷	۱۹۳۳/۳	- ۳۷/۶
۱۳۵۶	۲۱۰۰/۴	۲۴۵۵/۳	- ۳۵۴/۹
۱۳۵۷	۱۷۳۶/۲	۲۲۸۶/۴	- ۵۵۰/۲
۵۸	۱۷۷۱/۵	۲۱۰۴/۱	- ۳۳۲/۶

ماخذ: براساس اطلاعات آماری موجود در:

I.M.F. Yearbook of International Financial
Statistics , 1982.

در جدول ۲، وجود ماژاد در آمد در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ باعث افزایش ناگهانی در آمد حاصل از افزایش قیمت نفت بود. هما‌نطور که ملاحظه می‌شود در بقیه سالها، موازنه همچنان منفی شده است، در گذشته تصوراً حتمال افزایش در آمد نفت، حتی، در تعیین مسیر سرمایه‌گذاری‌ها و سایر عوامل موثر بوده است و این بدین معنی است که تغییراتی همچون تغییر در بازار نفتی یا اکتشاف جدید منابع نفتی، باعث دگرگونی و تجدید نظر در برنامه‌های دولت می‌شده است.

طی سالهای ۱۳۵۰ به بعد، ایران جزء یکی از کشورهای وام‌دهنده بحساب می‌آید. کشوری که ساختار اقتصادی آن، دارای هیچگونه تسوان زیربنایی جهت رشد و توسعه پویا نبود، از این گذشته عمده‌نیازمندیها را از طریق واردات به سهولت تامین می‌نمود، و بدین طریق سعی داشت که سطح زندگی مردم از طریق بوجود آوردن مصارف کاذب هم سطح زندگی مردم در کشورهای پیشرفته جلوه‌گر شود. افزایش قیمت نفت در میزان ذخائر ارزی غیر طلا نیز موثر بوده است طبق جدول ۳ میزان ذخائر ارزی از ۷۷ میلیون دلار در سال ۱۳۴۹ به ۱۵۳۱۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۸ افزایش یافت.

جدول شماره ۳ - ذخائر ارزی غیر طلا و خالص مقروضات دولت از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۸

سال	ذخائر ارزی غیر طلا (میلیون دلار)	خالص مقروضات داخلی	خالص مقروضات خارجی
۱۳۴۹	۷۷	۳۴/۹	۱۹/۲
۱۳۵۰	۴۷۹	۱۱/۱	۱۵/۰
۱۳۵۱	۸۱۸	۴۶/۲	۱۰/۷
۱۳۵۲	۱۰۷۸	۵۸/۵	- ۴۵/۳
۱۳۵۳	۸۲۲۳	۳۳/۵	-۱۷۳/۸

ادامه جدول شماره ۳:

۱۳۵/۵-	۱۲۳/۵	۸۷۴۴	۱۳۵۴
- ۹۲/۸	۱۳۰/۴	۸۶۸۱	۱۳۵۵
-۱۱۸/۵	۴۷۳/۴	۲۱۰۶	۱۳۵۶
۴۴/۸	۵۰۵/۴	۱۱۹۷۷	۱۳۵۷
- ۴۸/۶	۳۸۱/۲	۱۵۲۱۰	۱۳۵۸

ماخذ: براساس اطلاعات آماری موجود در:

I.M.F. Yearbook of International Financial
Statistics, 1982.

آمارهای بازرگانی خارجی ایران، نشان می‌دهند که رشد صادرات ایران طی سالهای ۴۹-۱۳۳۹، حدود ۱۲/۴ درصد، و رشد واردات حدود ۹/۸ درصد بوده است. از سال ۱۳۴۹ به بعد، نرخ رشد صادرات به حدود ۳۷/۴ درصد ارتقا یافت. البته نرخ رشد واردات نیز طی همین مدت، حدود نرخ مذکور می‌باشد. در سال ۱۳۵۴، بدنبال افزایش ناگهانی قیمت نفت طی سالهای ۵۳-۱۳۵۲ و نیز وجود آمدن رکود نسبی در اوضاع اقتصادی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، و نهایتاً کاهش واردات نفت از جانب کشورهای مصرف‌کننده، رکودی در صادرات ایران مشاهده گردید. اما در حال از سال ۱۳۵۳ به بعد، برحجم مبادلات کشور با جهان خارج بیش از پیش افزوده شده است که این افزایش از ناحیه واردات و عمدتاً "بدلیل افزایش درآمدهای ارزی بوده است. افزایش مبادلات ایران با خارج، از حدود ۹ میلیارد دلار مربوط به سال ۱۳۵۲ به حدود ۲۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۳، سهم ایران را در مبادلات جهانی از ۹/۵ درصد به ۱۱/۷۳ درصد بالا برد. طی سالهای اولیه بعد از پیروزی انقلاب، این سهم کاهش پیدا کرده و به حدود ۹/۹ درصد

سال ۱۳۵۲ رسید. تغییرات آماری بزرگانی خارجی ایران را در جدول (۴) و (۵) میتوان ملاحظه نمود.

جدول شماره ۴- سهم ایران در میان دلات جهانی ، طی سالهای ۱۳۳۰-۱۳۵۹

سال	جهان (میلیارد دلار)	ایران (میلیارد دلار)	درصد سهم ایران	سال	جهان (میلیارد دلار)	ایران (میلیارد دلار)	درصد سهم ایران
۱۳۳۰	۱۵۶/۸	۳۷۷/۲	۰/۶۱	۱۳۴۵	۲/۲۲	۰/۵۹	۰/۶۱
۱۳۳۱	۱۵۸/۸	۳۹۵/۹	۰/۲۱	۱۳۴۶	۳/۰۴	۰/۷۷	۰/۲۱
۱۳۳۲	۱۵۲/۸	۴۵۱/۰	۰/۲۲	۱۳۴۷	۳/۲۷	۰/۷۳	۰/۲۲
۱۳۳۳	۱۵۸/۰	۵۰۴/۱	۰/۲۸	۱۳۴۸	۳/۶۳	۰/۷۲	۰/۲۸
۱۳۳۴	۱۷۴/۹	۵۸۰/۱	۰/۵۰	۱۳۴۹	۴/۲۸	۰/۷۴	۰/۵۰
۱۳۳۵	۱۷۳/۹	۶۴۹/۱	۰/۸۳	۱۳۵۰	۵/۷	۰/۸۸	۰/۸۳
۱۳۳۶	۲۱۰/۸	۷۶۶/۱	۰/۶۴	۱۳۵۰	۶/۴۵	۰/۸۴	۰/۶۴
۱۳۳۷	۱۹۸/۲	۱۰۶۰/۷	۰/۵۸	۱۳۵۲	۹/۵۹	۰/۹۰	۰/۵۸
۱۳۳۸	۲۰۴/۲	۱۵۵۷/۸	۰/۶۲	۱۳۵۳	۲۷/۰۱	۱/۷۳	۰/۶۲
۱۳۳۹	۲۲۵/۶	۱۶۱۰/۲	۰/۵۹	۱۳۵۴	۳۰/۵۵	۱/۹۰	۰/۵۹
۱۳۴۰	۲۲۶/۵	۱۸۳۰/۱	۰/۵۹	۱۳۵۵	۳۶/۳۹	۱/۹۹	۰/۵۹
۱۳۴۱	۲۵۹/۰	۲۰۹۰/۹	۰/۵۲	۱۳۵۶	۳۸/۳۳	۱/۸۲	۰/۵۲
۱۳۴۲	۲۸۳/۲	۲۴۲۳/۱	۰/۵۱	۱۳۵۷	۳۵/۸	۱/۴۸	۰/۵۱
۱۳۴۳	۳۱۶/۰	۳۰۶۲/۱	۰/۶۱	۱۳۵۸	۳۹/۶۱	۰/۹۷	۰/۶۱
۱۳۴۴	۳۴۳/۱	۳۷۴۴/۱	۰/۶۳	۱۳۵۹	۳۵/۹۳	۰/۶۹	۰/۶۳

ماخذ: براساس اطلاعات آماری موجود در:

I.M.F. Yearbook of International Financial Statistics, 1982.

واحد: میلیارد دلار

جدول شماره ۲۰: آمار صادرات کاشی خارجی ایران طبق سالهای ۱۳۰۵-۱۳۳۰

۱۳۴۴	۱۳۴۳	۱۳۴۲	۱۳۴۱	۱۳۴۰	۱۳۳۹	۱۳۳۸	۱۳۳۷	۱۳۳۶	۱۳۳۵	۱۳۳۴	۱۳۳۳	۱۳۳۲	۱۳۳۱	۱۳۳۰	سال وابستگی و صادرات
۰/۸۶	۰/۶۷	۰/۵۲	۰/۵۳	۰/۶۱	۰/۵۶	۰/۵۰	۰/۴۱	۰/۴۷	۰/۳۸	۰/۳۴	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۲۳	۰/۲۸	وابستگی و صادرات
۱/۳۱	۱/۲۵	۰/۹۲	۰/۸۲	۰/۸۵	۰/۸۴	۰/۷۷	۰/۷۴	۰/۸۸	۱/۰۶	۰/۵۴	۰/۳۱	۰/۲۴	۰/۱۷	۰/۵۹	وابستگی و صادرات
۱۳۵۱	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	۱۳۵۵	۱۳۵۴	۱۳۵۳	۱۳۵۲	۱۳۵۱	۱۳۵۰	۱۳۴۹	۱۳۴۸	۱۳۴۷	۱۳۴۶	۱۳۴۵	سال وابستگی و صادرات
۱۲/۲۵	۹/۷۴	۱۳/۵۵	۱۴/۰۷	۱۲/۸۹	۱۰/۳۴	۵/۴۳	۴/۳۹	۲/۴۱	۱/۸۷	۱/۶۶	۱/۵۳	۱/۳۹	۱/۱۱	۰/۹۱	وابستگی و صادرات
۱۳/۶۸	۱۹/۸۷	۲۲/۲۵	۲۲/۶۶	۲۳/۵۰	۲۰/۲۱	۲۱/۵۸	۶/۲۰	۲/۰۴	۳/۸۳	۲/۶۲	۲/۱۰۰	۱/۸۸	۱/۹۳	۱/۳۱	وابستگی و صادرات

I . M . F . Yearbook of International Financial Statistics, 1982 : ماسخ: بر اساس اطلاعات آماری موجود در :

کشورهای در حال توسعه، جهت تحقق بخشیدن به رشد و توسعه اقتصادی خود، ملزم می باشند که مواد خام و واسطه و نیز کالاهای سرمایه‌ای خود را به نحوی تامین نمایند و در حال حاضر بسیاری از این کشورها از طریق واردات این اقلام را تدارک می بینند. ایران نیز از جمله کشورهای است که بدنبال بالا رفتن قیمت نفت که منبع اصلی درآمد ارزی بود، جهت صنعتی شدن خود، حجم و ترکیب واردات از کشورهای صنعتی را دچار دگرگونی عمیقی ساخت. البته در این خصوص واردات بر مبنای صادرات، ضابطه اصلی بوده و در کل به هر کشور این اجازه را میدهد که توسعه را بر مبنای توان و امکانات خود برنامه ریزی نماید و دچار بلندپروازیهای بی جا نشود. در هر حال ایران قبل از انقلاب اسلامی نه تنها این اصل را رعایت ننمود، بلکه با اتخاذ سیاست دروازه‌های باز و بنا بر سیاستهای دیکته شده غربی - ها، بازارهای داخلی را بروی کالاهای لوکس خارجی گشود، طوریکه نهایتاً "درآمد حاصل از فروش نفت، این ثروت ملی، به کشورهای سلطه‌گر سرازیر گردد و آنچه که برای ایرانی باقی می ماند تنها تشخیص کاذب از جهت مصرف تولیدات خارجی بود. نسبت صادرات غیر- نفتی به واردات، معیار مناسبی است که جهت تعیین میزان کارآئی در تجارت و خودکفائی اقتصادی بکار میرود. جدول (۶) این نسبت را برای سالهای ۱۳۴۳ الی ۱۳۵۶ ارائه میدهد:

جدول شماره ۶- صادرات غیرنفتی و واردات ایران طی دوره ۵۶-۱۳۴۳

سال	کل صادرات غیرنفتی	کل واردات	نسبت صادرات غیرنفتی به واردات
۱۳۴۳ - ۵۰ ارزش به میلیا رد ریال:			
۱۳۴۳	۱۱/۵	۵۶/۸	۲۰/۲
۱۳۴۴	۱۳/۶	۶۶/۵	۲۰/۴
۱۳۴۵	۱۱/۸	۷۳/۶	۱۶/۰
۱۳۴۶	۱۳/۶	۹۰/۵	۱۵/۱
۱۳۴۷	۱۶/۳	۱۰۴/۴	۱۵/۶
۱۳۴۸	۱۸/۵	۱۱۷/۰	۱۵/۸
۱۳۴۹	۲۱/۲	۱۲۸/۳	۱۶/۵
۱۳۵۰	۲۶/۳	۱۵۷/۷	۱۶/۷
۱۳۵۱ - ۵۶ ارزش به میلیون دلار :			
۱۳۵۱	۴۳۹/۸	۲۵۷۰	۱۷/۱
۱۳۵۲	۶۳۴/۷	۳۷۳۷	۱۷/۰
۱۳۵۳	۵۸۱/۵	۶۶۱۴	۸/۸
۱۳۵۴	۵۹۲/۲	۱۱۶۹۶	۵/۱
۱۳۵۵	۵۳۹/۹	۱۲۷۶۶	۴/۲
۱۳۵۶	۵۲۳/۲	۱۴۱۲۴	۳/۷

ماخذ: براساس اطلاعات آماری موجود در سالنامه آماری مرکز آمار ایران
سال ۱۳۵۵ و گزارش سالنامه موازنه بازرگانی بانک مرکزی ایران
سال ۱۳۵۶ .

جدول شماره ۷- رابطه واردات با تولید ناخالص داخلی (قیمت ثابت)

واحدیه: میلیاردریال

سال	واردات (سیف)	تولید ناخالص داخلی براساس قیمت عوامل	نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی (درصد)	نسبت واردات به تولید ناخالص غیرنفتی داخلی (درصد)	تولید ناخالص غیرنفتی داخلی (درصد)
۱۳۳۸					
۱۳۳۸	۴۱/۶	۲۸۵/۵	۱۴/۶	۲۳۸/۴	۱۷/۵
۱۳۳۹	۵۲/۶	۳۰۲/۳	۱۷/۴	۲۴۹/۲	۲۱/۱
۱۳۴۰	۴۷/۱	۳۱۲/۹	۱۵/۱	۲۵۴/۸	۱۸/۵
۱۳۴۱	۴۱/۹	۳۳۳/۷	۱۲/۶	۲۶۶/۴	۱۵/۷
۱۳۴۲	۳۹/۳	۳۵۵/۹	۱۱/۰	۲۸۲/۰	۱۳/۹
۱۳۴۳	۵۵/۷	۳۸۵/۹	۱۴/۴	۲۷۵/۳	۲۰/۳
۱۳۴۴	۶۶/۱	۴۳۳/۸	۱۵/۲	۲۳۹/۹	۱۹/۵
۱۳۴۵	۶۹/۵	۴۷۶/۱	۱۴/۲	۲۶۲/۶	۱۸/۶
۱۳۴۶	۸۳/۰	۵۳۱/۸	۱۵/۶	۴۰۴/۴	۲۰/۵
۱۳۴۷	۹۵/۸	۵۹۶/۹	۱۶/۱	۴۵۱/۵	۲۱/۲
۱۳۴۸	۱۰۷/۳	۶۵۷/۳	۱۶/۳	۴۸۹/۵	۲۱/۹
۱۳۴۹	۱۱۵/۵	۷۳۶/۷	۱۵/۷	۵۴۱/۷	۲۱/۳
۱۳۵۰	۱۲۲/۴	۸۲۷/۵	۱۶/۰	۶۰۵/۶	۲۱/۹
۱۳۵۱	۲۹۶/۱	۲۵۶۷/۱	۱۱/۵	۱۲۳۲/۸	۲۴/۰
۱۳۵۲	۳۱۹/۳	۲۸۷۴/۴	۱۱/۱	۱۴۲۳/۸	۲۲/۴
۱۳۵۳	۴۴۷/۳	۳۰۷۱/۹	۱۴/۶	۱۶۳۰/۲	۲۷/۴
۱۳۵۴ ۱۳۵۲	۷۲۷/۸	۳۱۵۰/۱	۲۳/۱	۱۸۸۵/۶	۳۸/۶
۱۳۵۵	۸۱۶/۶	۳۵۲۹/۹	۲۳/۱	۲۱۴۵/۳	۳۸/۱
۱۳۵۶	۸۲۶/۷	۳۵۸۹/۱	۲۳/۰	۲۳۰۴/۲	۳۵/۹

ماخذ: براساس اطلاعات آماری موجود در: Bank Markazi Iran, National Income of Iran 1959-72 & Annual Report and Balance Sheet 1977.

ملاحظه میشود که ما ز ادوات برصا درات غیرنفتی بتدریج روبه افزایش نهاده ، طوریکه نسبت صا درات غیرنفتی بسه واردات از میزان ۲۰/۲ درصد مربوط به سال ۱۳۴۳ به ۱۶/۷ درصد در سال ۱۳۵۰ و ۳/۷ درصد در سال ۱۳۵۶ رسید . نکته قابل توجه در این روند نزولی این است که ، به دنبال افزایش سریع قیمت نفت طی سالهای ۵۳-۱۳۵۲ رزش واردات دفعتاً " افزایش یافت و این در حالی است که ارزش صا درات غیرنفتی نه تنها افزایش نداشته بلکه نسبت به صا درات در سال ۱۳۵۲ با ارزشی ، بالغ بر ۶۳۴/۷ میلیون دلار ، ۸/۴ درصد کاهش نشان میدهد . این کاهش در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ ادامه یافت . تفاوت فاحشی که بین ارزش واردات و ارزش صا درات غیرنفتی ایران ، طی سالهای مذکور بوجود آمده نشانگر این واقعیت است که امکان افزایش تولید ، در صورتیکه فرض کنیم که هیچگونه تنگنایی در این زمینه وجود نداشته است ، بموازات افزایش تقاضا وجود داشته منتها به این امر پرداخته نشده است . ارقام مربوط به واردات و تولید ناخالص (G D P) به قیمت ثابت نشان میدهند که درصد سهم واردات در " GDP " یک روند با ثبات تری را شامل گشته و در اطراف ۱۵ درصد در نوسان بوده است . در حالی که با احتساب " GDP " غیرنفتی این نسبت از ۱۷/۵ درصد مربوط به سال ۱۳۳۸ به ۲۱/۹ درصد در سال ۱۳۵۰ افزایش یافت . سهم واردات در کل " GDP " و " GDP " غیرنفتی پس از ۱۳۵۰ رشد سریعتری نسبت به دوره قبل داشته است بطوریکه این نسبت ها در سال ۱۳۵۶ بسه ترتیب به ۲۳/۵ درصد و ۳۵/۹ درصد رسید . اختلاف ما بین دو نسبت مذکور نشان میدهد که افزایش قیمت و فروش نفت که به توان و بنییه ارزی کشور تا حد زیادی افزود ، در اتخاذ سیاست دروازه های باز تا چه اندازه موثر بوده است . در نیمه اول دهه پنجاه تجارت خارجی نقشی بسیار اساسی و فزاینده در اقتصاد ایران داشته است و کلاً طی یکی - دودهم گذشته تجارت

خارجی نقش موتور محرکه فعالیت‌های اقتصادی را داشته، بطوریکه میتوان چنین ادعا نمود که تجارت خارجی نقش تعیین کننده را در کلیه شعبه اقتصاد و اجتماعی جامعه را برده است.

جهت رشد و توسعه اقتصادی، الزاماً "می بایستی مرحله‌های مقدماتی از رشد صنعتی را پشت سر گذاشت و این خود مقدار قابل توجهی از واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و خام را که در داخل امکان تولید و عرضه آنها نیست، ایجاد مینماید. از طریق ایجاد پل ارتباطی بین این بخشی از اقتصاد و دیگر بخش‌ها زمین‌ها جهت توسعه دیگر بخشها نیز فراهم می‌آید، بشرطی که کلیه فرآیندها در قالب یک برنامه ریزی مدون و منطقی صورت گیرند. در حالیکه در ایران این چنین برنامه‌هایی در جهت، ایجاد یک صنعت پویا و ملی، نه تنها بوجود نیامد، بلکه نحوه عمل، در راستای تخریب نهادهای موجود و ملی قرار داشت و اکثر صنایع بصورت مونتاژ و وابسته عمل می نمودند و در خدمت اقتصاد ابر قدرت‌ها بودند.

سرمایه‌گذاران دولتی و خصوصی که در مراحل توسعه اقتصادی نقش بسیار اساسی را ایفا مینماید، در ترکیب کالاهای وارداتی تاثیر قاطع دارد. علاوه بر آن تغییرات عوامل عرضه و تقاضا در بازارهای بین المللی نیز عوامل موثر در این زمینه بشمار میرود. از جنبه تقاضا، رشد درآمدها و توزیع آنها، و از نظر عرضه، عوامل نظیر اندازه و وسعت بازار، در دسترس بودن مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، پیشرفت‌های فنی و قابلیت‌های تشیین عوامل تولید، را میتوان بعنوان عوامل موثر در تعیین و تغییر ترکیب واردات و صادرات کشور یاد کرد.

جهت مطالعه ترکیب واردات در قالب تقسیمات اقتصادی که

ماهیت ساختار تولیدی و مصرفی جامعه را تا حد زیادی روشن میکند، از

آمارهای منتشره از جانب سازمانهای رسمی کشور استفاده میشود. طبق جدول ۸ سهم کالاهای مصرفی درکل واردات در طی دوره برنامه های عمرانی دولت سیرنزولی داشته است و درعوض واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای و مواد اولیه و نصدودی را نشان میدهند. ارزش واردات در سالهای بعد از ۱۳۵۰ بطور کلی سیر صعودی داشته و این بخاطر گسترش دامنه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، که در پی آنها مصرف در اکثر موارد، افزایش یافت، بوده است.

جدول شماره ۸- ترکیب واردات از نظر تقسیمات اقتصادی طی برنامه های عمرانی دوم تا پنجم. واحد: درصد

گروه های اقتصادی	برنامه دوم*	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
کالاهای سرمایه ای	۲۲/۲	۲۴/۵	۲۴/۶	۲۷/۲
کالاهای واسطه ای و مواد اولیه	۵۰/۰	۵۷/۵	۵۵/۴	۵۵/۷
کالاهای مصرفی	۲۸/۰	۱۸/۰	۲۰/۰	۱۷/۲
جمع کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

ماخذ: بانک مرکزی ایران، گزارش سالانه تراز بازرگانی سال ۱۳۵۶.
* فقط دوره ۴۱-۱۳۳۸ را در بر میگیرد.

جدول ۹ جهت مطالعه ترکیب واردات به تفکیک سرمایه ای - واسطه ای و مصرفی ارائه شده است. در این جدول سهم کالاهای سرمایه ای

در کل واردات طی سالهای ۵۶-۱۳۴۹ روند صعودی داشته است. کالاهای سرمایه‌ای که ایران طی دوره مورد مطالعه وارد می‌کرده است بیشتر شامل تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی بوده، بطوریکه در سال ۱۳۵۶، سهم این گروه از کالاهای در کل واردات ایران بیش از ۲۵ درصد شده است. واردات وسایط حمل و نقل "برای مصارف اقتصادی" بدنبال افزایش درآمدهای نفتی طی سالهای دهه ۱۳۵۰ رشدی سریع داشته، در حالی که در سال ۱۳۴۹، سهم آنها از کل واردات فقط ۱/۴ درصد بوده، در سال ۱۳۵۴ به ۸ درصد و در سال ۱۳۵۶، این سهم به ۲/۳ درصد افزایش یافته است. افزایش واردات وسایط نقلیه تا اندازه‌ای افزایش کل واردات ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی را سبب می‌شده است و آنجا که افزایش واردات وسایط نقلیه جهت امور اقتصادی تا اندازه‌ای در افزایش ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی موثر است و از طرفی کالاهای مزبور موجود افزایش سرمایه‌ها نیز می‌باشند، بنابراین، افزایش واردات آنها مبین میزان وابستگی درآمد ملی به واردات می‌باشد. جهت حفظ و تعمیر کالاهای تولیدی و سرمایه‌های وارداتی نیاز به واردات ابزار و قطعات یدکی بود، در این صورت بخوبی میتوان میزان وابستگی فعالیت‌های تولیدی کشور را به جهان خارج استنباط نمود.

دربین کالاهای مصرفی، واردات مواد غذایی، به این دلیل که جزو کالاهای ضروری جامعه است، بیش از پیش افزایش داشته است. سیاست و تولیدات داخلی، بر مبنای اعمال سیاست‌های مخرب در کلیه بخشها، از جمله کشاورزی، هرگز قادر به تامین آنها نبوده است. البته این از واقعیت بدور است که تصور کنیم کشور بطور بالقوه قادر به تهیه غذا در حد کفایت نیست و نخواهد بود. بهر حال با توجه به روند مهاجرت به شهرها و کاهش نیروی کار برای افزایش تولیدات کشاورزی می‌بایستی سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش قابل توجهی می‌یافت که نیاخته است.

جدول شماره ۹- درصد توزیع واردات بین سه گروه کالای سرمایه‌ای ،
 واسطه‌ای و مصرفی - بقیه جاری
 واحد: درصد

سال	۱۳۲۹	۱۳۳۰	۱۳۳۱	۱۳۳۲	۱۳۳۳	۱۳۳۴	۱۳۳۵	۱۳۳۶
الف	۲۲/۵	۲۸/۲	۲۷/۱۵	۲۴/-	۱۹/۸	۳۰/۶	۴۱/۰	۲۷/۹
۳۱	۲۲/۱	۲۶/۲	۲۶/۱۵	۲۱/۸	۱۷/۰	۲۲/۹	۲۷/-	۲۵/۶
۵۲۱	۱/۲	۱/۸	۱/۰	۱/۲	۷/۸	۸/-	۲/۰	۲/۲
ب	۶۴/۵	۶۲/۲	۶۲/۹	۶۴/۷	۶۵/۲	۵۲/۹	۵۲/۵	۵۶/۲
۱۱۱	۲/۶	۶/۵	۷/۲	۵/۲	۱۰/۰	۷/۲	۳/۷	۵/۲
۱۲۱	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۰	۵/۸	۲/۸	۱/۹	۲/۶
۲۱	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۱	۲/۲	۲/۲	۱/۸	۲/۲
۲۲	۲۵/۲	۲۹/۵	۳۸/۲	۲۲/۲	۲۲/۱	۳۲/۸	۳۲/۸	۳۵/۲
۳۱	۰/۱	-/۲	-/۲	۰/۲	-/۱	-/۱	-/۲	۰/۲
۳۲	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	-/۱	۰/۱
۳۲۲	۰/۱	-/۲	-/۲	۰/۲	-/۱	-/۱	۰/۱	۰/۲
۱۲۱	۱۵/۱	۱۲/۸	۱۵/۶	۱۳/۸	۱۱/۲	۱۱/۱	۱۲/۰	۱۲/۱
۱۲۲	۶/۰	۲/۶	۲/۸	۲/۲	۲/۲	۲/۰	۲/۹	۵/۱
۵۲	۹/۹	۹/۲	۱۰/۸	۹/۶	۷/۹	۸/۱	۸/۱	۸/-
ج	۹/۶	۹/۲	۱۰/۵	۱۱/۵	۱۲/۹	۱۲/۸	۱۲/۲	۱۲/۷
۱۱۲	۲/۰	۲/۶	۲/۲	۲/۲	۷/۲	۸/۲	۶/۲	۵/۶
۱۲۲	۱/۶	۱/۱	۱/۲	۱/۶	۱/۶	۲/۲	۲/۸	۲/۶
۵۲۲	-/۶	-/۵	-/۲	-/۵	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲
۴	۶/۰	۵/۵	۵/۷	۶/۸	۵/۵	۵/۲	۷/۹	۷/۲
۵	-/۲	-/۲	-	-/۸	۲/۱	۱/۸	۱/۸	۷/۲

ماخذ: براساس اطلاعات آماری موجود در:

U.N. Yearbook of International Trade Statistics, (1979).

طبق جدول (۸) در پایان دوره مورد بررسی، کالاهای مصرفی، سهمشان در مقایسه با کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای، نسبت به سال‌های اول دهه پنجاه افزایش نشان می‌دهد، که این نشانگر واقعیت تلخی است که رژیم در تحکیم وابستگی به بر قدرتها و تامین اهداف شوم استکبار جهانی (آمریکا) که همانا تامین غذای روزمره مردم ایران بدست کشا و رزان ابر- قدرتها، بود، تا چه حد موفق بوده است.

البته در یک نظام اقتصادی که فعالیت‌های تولیدی و خدماتی بر اساس برنامه منظم و از قبل طرح شده رشد و نمو میکنند، تعیین نیازمندی‌های وارداتی یکی از مواردی است که بوسیله آن برنامه‌ها با ید مشخص و پیش‌بینی گردند. چنین پیش‌بینی با ید طبیعتاً "بر اساس میزان و الگوی رشد اقتصادی استوار باشد که مقررات و قوانین نیز به تبع سیاست‌های پیشنهادی در جهت تامین امکانات و تسهیلات وضع میگردد. در اینگونه موارد مقررات وارداتی بصورت‌های زیر مورد تاکید قرار میگیرند:

- ۱- وضع محدودیت‌های وارداتی
 - ۲- کنترل‌های کمی از طریق تغییرات در نرخ ارز و تعرفه گمرکی
 - ۳- انعقاد قراردادهای دوجانبه بین دولتها و غیره.
- با وضع اینگونه قوانین میتوان در مقدار و ترکیب واردات تغییرات مناسب و مورد نظر را بوجود آورد.